

بحران انرژی نتیجه تصمیم اصولگراها



مهدی عرب صادق

کارشناس ارشد انرژی

بحران ساختاری برق در ایران که امروز به اوج خود رسیده، ریشه در مجموعه‌ای از تصمیمات سیاسی و اقتصادی دارد که طی دو دهه گذشته اتخاذ شده‌اند. این تصمیمات عمدتاً مبتنی بر ملاحظات کوتاه‌مدت سیاسی و بدون در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت بوده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که نظام قیمت‌گذاری نادرست انرژی، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری این بحران بوده است. در اوایل دهه ۱۳۸۰، قیمت برق در سطحی بسیار پایین‌تر از هزینه تمام‌شده تثبیت شده بود. این در حالی بود که کارشناسان بارها هشدار داده بودند که ادامه این روند منجر به بحران خواهد شد. در سال ۱۳۸۳ تحلیل‌هایی انجام شد که نشان می‌داد تعرفه‌های فعلی برق تنها یک چهارم هزینه تمام‌شده را پوشش می‌دهد و اگر این وضعیت ادامه یابد، تا ده سال آینده شبکه برق کشور با کسری ۴۰ درصدی مواجه خواهد شد و به‌رغم این سال ۸۳ حداد عادل، «تثبیت قیمت‌ها» طرح ابتکاری شوم احمد توکلی را عیدی مجلس اصولگرا به مردم برشمرد و این را یکی از کار بزرگ مجلس هفتم دانست البته بزرگ بود اما دامنه و عمق تخریبش بزرگ بود و اما در عمل این سیاست به صنایع وابسته به نهادهای خاص عیدی داد. بنابراین بحران انرژی ایران امروز ریشه در تصمیمات شتابزده و غیرکارشناسی اصولگرایان در دهه ۸۰ دارد. احمد توکلی به عنوان چهره شاخص این جریان، با وجود هشدارهای اولیه خود درباره خطرات تثبیت قیمت‌ها، تبدیل به یکی از اصلی‌ترین مدافعان این سیاست مخرب شد. او که در سال ۸۳ افزایش نرخ انرژی را «فاجعه اقتصادی» می‌خواند، باعث شد در سال‌های بعد با تثبیت قیمت برق و هدفمندی یارانه‌ها، بمب ساعتی مصرف انرژی کار گذاشته شود. نتیجه این شد در سال ۹۱، یارانه پنهان انرژی به این صنایع به ۱۵ هزار میلیارد تومان رسید و این رقمی معادل ۴۰ درصد بود چه عمرانی کشور است و امروز یارانه پنهان انرژی به بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است و یارانه‌گیران نجومی محصولاتشان را با دلار آزاد در بازارهای داخلی و خارجی می‌فروشد. سیاست‌گذاران به جای اصلاح این وضعیت گفتند حرف مرد یکی است یا تصمیماتی عجیب رانت‌زا و ضد کارشناسی مشکل را تشدید کردند. ایده‌ها تصویب قانونی، اختیار تعیین قیمت حامل‌های انرژی به طور کامل به مجلس واگذار شد. این تصمیم که ظاهراً با هدف کنترل تورم اتخاذشده بود، در عمل دست‌دولت را برای هرگونه تعدیل قیمت‌ها بست. نتیجه این شد که در سال‌های بعد، شکاف بین عرضه و تقاضای برق به طور مداوم افزایش یافت. اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ وضعیت را بدتر کرد. جالب اینجاست که بسیاری از این صنایع محصولات خود را با قیمت‌های جهانی صادر می‌کردند و از این رانت بزرگ بهره می‌بردند. در سال‌های بعدی نیز اگرچه دولت‌ها تغییر کردند، اما این سیاست‌های نادرست ادامه یافت. پروژه‌های نیروگاهی که باید طبق برنامه پنجم توسعه اجرا می‌شدند، یا متوقف ماندند یا با تاخیرهای طولانی مدت مواجه شدند. دلیل اصلی این بود که درآمد حاصل از فروش برق کفاف سرمایه‌گذاری مورد نیاز را نمی‌داد. در نتیجه، نسبت ذخیره به تولید که در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۵ درصد بود، تا سال ۱۴۰۰ به ۸ درصد کاهش یافت. این در حالی بود که شدت مصرف انرژی در ایران ۲۲ درصد بالاتر از متوسط جهانی قرار داشت. وضعیت به جایی رسید که در سال‌های اخیر، خاموشی‌های گسترده به بخشی عادی از زندگی مردم تبدیل شده است. در اوج این بحران، ایران همچنان به صادرات برق به کشورهای همسایه ادامه می‌داد. این تناقض آشکار نشان می‌دهد که مشکل اصلی کمبود تولید نیست، بلکه مدیریت نادرست منابع موجود است. امروز مشخص شده که بحران برق نتیجه مستقیم سیاست‌های نادرست دود دهه گذشته است. سیاست‌هایی که به جای حل ریشه‌ای مشکلات، فقط آنها را به آینده موکول می‌کردند و البته امروز هم وزارت نیرو در بی‌پندارگی غوطه ور است. راه حل این بحران هرچند دشوار اما روشن است. اولاً باید قیمت‌گذاری برق به تدریج به سمت هزینه تمام‌شده حرکت کند. ثانیاً یارانه‌ها باید به طور هدفمند به خانوارهای کم‌درآمد تخصیص یابد. ثالثاً صنایع انرژی‌بر باید ملزم به پرداخت قیمت واقعی برق مصرفی خود شوند. بدون این اصلاحات ساختاری، بحران برق در سال‌های آینده حادتر خواهد شد و هزینه‌های بیشتری به اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. تجربه دو دهه گذشته به وضوح نشان داده است که ادامه سیاست‌های فعلی تنها به تعمیق بحران خواهد انجامید. آنچه امروز در وزارت نیرو شاهدیم، چیزی جز ادامه همان سیاست‌های شکست‌خورده گذشته نیست؛ با همان بازیگران و همان تفکر رانتی. وزیر فعلی، خود از مدیران ارشد مینا بوده است؛ شرکتی که نامش با توقف‌های کلان در پروژه‌های نیروگاهی گره خورده و اکنون همان نگاه غیرتخصصی رانت‌محور را به بدنه وزارت نیرو تزریق کرده است. سیاستی که سال‌ها در شرکتی مانند مینا که یکی از عوامل اصلی توقف پروژه‌های نیروگاهی و تأخیر در توسعه ظرفیت تولید بود می‌تواند ناگهان تبدیل به منجی بخش انرژی شود؟ این وزارتخانه امروز نه تنها ناتوانسته از بحران ساختاری برق جلوگیری کند، بلکه با تصمیمات غیرکارشناسی خود در اوج کمبود داخلی و عدم برخورد قاطع با صنایع پر مصرف رانت‌بگیر، بر آتش این بحران دامن زده است.

غلامعلی دهقان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

ترامپ اشتباه آیزنهاور را درباره ایران تکرار نکند



توجه ترامپ به سخنان تندروها مواضع ایران را هم تند می‌کند

کابینه ترامپ در نهایت به سود میانه‌روها تغییر وضعیت خواهد داد



از انرژی مسالمت‌آمیز جلوگیری کند و گوش به حرف تندروهای آمریکایی بدهد سبب تند شدن موضع ایران هم خواهد شد و شاید ایران هم به راه‌های دیگری فکر کند که خوشایند آمریکایی‌ها نباشد. البته، ترامپ تا اینجا این مراقبت را انجام داده است ولی هنوز تا روز توافق باید مراقب تندروهای آمریکایی باشد. اگر آیزنهاور تحت تأثیر شرکت‌های نفتی آمریکا و انگلیس و همچنین وسوسه‌های چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس قرار نمی‌گرفت و همچنان از اقدامات دولت مصدق حمایت می‌کرد هیچ‌گاه لازم نبود بعدها شاهد حرکت‌های انقلابی از سوی ایرانیان باشد. در این شرایط بهترین کار آن است که ترامپ به حقوق طبیعی ملت بزرگ ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز پایبند باشد و مباحث خارج از هسته‌ای را هم وارد مذاکرات نکند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

اعلام کردند که تا اسرائیل مشکل غزه را حل نکند به رویه خود ادامه خواهند داد. بنابراین در این دیدگاه مقصر خود اسرائیل است که قضیه غزه افرسایشی کرده است و کشتاندن پای ایران به ماجرا فقط بهانه است. هرچند ممکن است آمریکایی‌ها از ایران بخواهند در این مورد دخالت کند. دیدگاه دوم معتقد است اتفاقاً پرتاب موشک توسط یمن نشان می‌دهد اسرائیل با این خط دفاعی هوایی چقدر آسیب‌پذیر است و حتی سیستم دفاعی تاد هم جواب نداده است. به همین دلیل اسرائیل بهتر است در امور ایران دخالت نکند و حتی خواهان توافق باشد. اگر یمن با کمترین امکانات چنین می‌کند جمهوری اسلامی با توان موشکی خود می‌تواند چه بلایی اسرائیل درآورد؟ به همین دلیل نیز من بعید می‌دانم قضیه یمن مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهد. چشم‌انداز مذاکرات هم نشان می‌دهد در قضیه هسته‌ای می‌توان دوباره به بازی برد- برد فکر کرد. ترامپ چندین بار خواست خود را درباره امنی نشدن ایران اعلام کرده است. از سوی دیگر ایران هم فعلاً داشتن وساختن بمب اتمی را به جهت مخالفت بافتوای مقام رهبری پیگیر نیست. بنابراین آمریکا می‌تواند همانند برجام ضمن قبول حق غنی‌سازی ایران به موفقیت مذاکرات امید داشته باشد.

▶ باتوجه به شرایط موجود در حالی که هنوز دور چهارم مذاکرات برگزار نشده مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مذاکرات را چه می‌دانید؟

رویکرد درست و منطقی در این زمینه این است که در مذاکره چراغ سبز نشان داده شود نه اینکه با ارباع و ایجاد خوف یک طرف بخواهد طرف دیگر را تحقیر کند. اتخاذ سیاست خوف و ارباع در دور اول ترامپ راهی به جایی نبرد و در شرایط کنونی نیز قرار نیست جواب دهد. هم اکنون مدیریت سطح تنش مهم است. البته رسیدن به نقطه تقاهم از طریق رایزنی‌ها امکان‌پذیر است. در دوره بایدن هرچند مصالحه‌ای رسماً شکل نگرفت، اما ایران توانست به خوبی تنف بفروشد و سطح نزاع هم کنترل شده بود. به نظر می‌رسد اگر آرمش در منطقه ادامه پیدا کند سطح نزاع ایران و آمریکا هم بهتر کنترل شود. البته اسرائیل مرتب ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کند که بدیهی است هر حمله‌ای با عکس‌العمل ایران روبه‌رو خواهد شد و ممکن است حمله برخی تحریم‌ها مصوبه کنتره را دارد قضاوت رود است چرا که برخی تحریم‌ها مصوبه کنتره را دارد اما مواردی هم است که رفع آنها در حوزه وظایف ترامپ است. البته هر احتمالی متصور است. چه کسی فکر می‌کرد در قضیه اوکراین بوتین متجاوز نباشد و برعکس زلنسکی مسبب و سبب ساز جنگ از سوی ترامپ معرفی شود؟ تأکید بر حق غنی‌سازی ایران به طور متعارف و داشتن سیستم موشکی ایران از خطوط قرمز ایران است. ترامپ هم بیشتر خواهان این است که ایران سلاح هسته‌ای نداشته باشد. سیاست اعلامی نظام هم این بوده که داشتن و ساخت سلاح اتمی در دستور کار نیست چرا که فتوای مقام معظم رهبری اجازه نمی‌دهد. بنابراین ضمن وجود نقاط اختلاف نقطه مشترکی هم برای تقاهم وجود خواهد داشت.

کفایت است؟ زمانی که میرزاحا کرمانی ناصرالدین شاه را ترور کرد، یکی از علمای بزرگ تهران گفت می‌خواهد به زندان برود و با میرزاحا کرمانی ملاقات کند. او به زندان رفت و از میرزاحا پرسید چرا ناصرالدین شاه را کشتی؟ او پاسخ داد که به خاطر اقداماتی که برخلاف مصالح شرع انجام می‌داد. این عالم گفت آیا پشت دروازه کاخ پادشاهی ایران، انوشیروان عادل نباشد بود که ناصرالدین شاه را کشتی تا جایی او بنشینند؟ یا این‌که اگر ناصرالدین شاه کشته می‌شد، فردی ناتوان‌تر از او به قدرت می‌رسید؟ این مسئله را باید از مخالفان سرخست دولت هم پرسید. آیتی تصریح کرد: به طور کلی دولت آقای پزشکیان دولتی متوسط است و هیچ‌گاه دولتی قدرتمند نبوده است. اما این دولت متوسط، جایگزینی ندارد. اینکه بگویم می‌توان سطح آن را با افراد دیگر بالاتر برد، یک تصور نادرست است.

اختلاف در آمریکا نسبت به ایران مسبوق به سابقه است. در روزهای منجر به پیروزی انقلاب در سال ۵۷ هم این اختلافات میان عملگرایان و رادیکال‌های آمریکایی بروز کرد که سرانجام جناح ونس- سالیوان برنده شد

دخالت اشکار آمریکا سبب شد تا ۲۶ سال بعد ایرانیان جبران آن حادثه را در تصرف سفارت آمریکا در تهران نشان دهند.

▶ به چه میزان احتمال می‌دهید ترامپ درباره ایران تحت تأثیر تندروها قرار بگیرد؟

واقعیت این است اگر ترامپ هم بخواهد از حقوق طبیعی ملت ایران در بهره‌مندی از انرژی مسالمت‌آمیز جلوگیری کند و گوش به حرف تندروهای آمریکایی بدهد سبب تند شدن موضع ایران هم خواهد شد و شاید ایران هم به راه‌های دیگری فکر کند که خوشایند آمریکایی‌ها نباشد. البته، ترامپ تا اینجا این مراقبت را انجام داده است ولی هنوز تا روز توافق باید مراقب تندروهای آمریکایی باشد. اگر آیزنهاور تحت تأثیر شرکت‌های نفتی آمریکا و انگلیس و همچنین وسوسه‌های چرچیل، نخست‌وزیر انگلیس قرار نمی‌گرفت و همچنان از اقدامات دولت مصدق حمایت می‌کرد هیچ‌گاه لازم نبود بعدها شاهد حرکت‌های انقلابی از سوی ایرانیان باشد. در این شرایط بهترین کار آن است که ترامپ به حقوق طبیعی ملت بزرگ ایران در استفاده از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز پایبند باشد و مباحث خارج از هسته‌ای را هم وارد مذاکرات نکند.

▶ مذاکرات ایران و آمریکا علاون بر اینکه از درون دولت ترامپ تهدید می‌شود تهدیدکنندگان بیرونی نیز دارد. به عنوان مثال حمله یمن به فرودگاه بن گوریون تل آویو یکی از اقداماتی بوده که در منطقه خبرساز شده است. عوامل بیرونی به چه میزان می‌توانند روی روند مذاکرات ایران و آمریکا تأثیر بگذارند؟

در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه مقصر را ایران می‌داند و خواهان برخورد با ایران است. اما یمنی‌ها بارها

زمانی که نتوکان‌ها جورج بوش پسر را در محاصره داشتند، بازهم این مجموعه به خود جرات حمله به ایران را نداد و انرژی متراکم بعد از ۱۱ سپتامبر را بعد از ضربه به طالبان به سمت صدام برد و انرژی را آنجا تخلیه کرد

مهدی آیتی:

فروپاشی شاکله دولت به نفع هیچکس نیست

که دولت در چه بخش‌هایی قوی و در چه بخش‌هایی ضعیف عمل کرده است. اما در مجموع، دولت آقای پزشکیان در شرایط بسیار سختی قرار دارد. از یکسو با کمبود درآمد و بودجه مواجه است و دولت برای پرداخت حقوق کارمندان و بازنشستگان دچار مشکل است. با این حال، دولت به هیچ‌وجه نمی‌تواند به حوزه تولید و صنعت توجه کند. در عرصه سیاسی نیز تهدیدات به‌طور لحظه‌ای ادامه دارد. وی بیان کرد: فروپاشی شاکله دولت به نفع هیچکس نیست. برخی افراد مانند موریانه می‌خواهند پایه‌های دولت را از بین ببرند. فرض کنیم که این نیروها عدم کفایت آقای پزشکیان را بگیرند؛ پس از آن چه خواهد شد؟ آن‌جا چینه‌ها آنها پر از رжал سیاسی با

نوعی دیگر حذف آقای طریف که دو عنصر مهم بخش سیاسی و اقتصادی دولت بودند که از سوی مجلس کنار گذاشته شدند. این تصمیم بیشتر به‌عنوان نوعی انتقام جویی سیاسی به نظر می‌رسید و مصالح ملی در آن رعایت نشد. استیضاح باید مبتنی بر مصالح ملی باشد و مجلس باید تحلیل درستی از اقداماتی که می‌خواهد انجام دهد داشته باشد. باید دفاعیه‌ای محکم وجود داشته باشد که در بسیاری از موارد، چنین تحلیلی ارائه نمی‌شود. وی ادامه داد: «به هر حال، اینکه بخواهیم تحلیل نقطه به نقطه یا تحلیل کلی داشته باشیم، کاری کارشناسی است و باید متخصصان مختلف در حوزه‌های گوناگون نظر دهند تا دقیقاً مشخص شود

چهارشنبه

۱۷ / ۰۲ / ۱۴۰۴

۹ ذی القعدة ۱۴۴۶ / ۷ مهر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۱۰۱

armanmeli.ir

تلنگر

چرایی لغو هزمان مذاکره با آمریکا و اروپا

دست‌اروپا روی‌ماشه؟

روابط بین ایران و سه‌گانه اروپا (بریتانیا، فرانسه و آلمان) همچنان پرتنش است و این سه کشور اروپایی از مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا کنار گذاشته شده‌اند. امواج میدیا مدعی شد؛ در حالی که تروئیکای اروپا در حال بررسی بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه تهران است، مقامات فرانسوی ادعا می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران در آستانه عبور از آستانه گریز هسته‌ای قرار دارد. در همین حال، مقامات بریتانیا چندین شهروند ایرانی را در یک عملیات به ادعای خود ضدتورریستی دستگیر کرده‌اند. ادعایی که اثبات نشده است. همزمان دیدار برنامه‌ریزی شده ایران و تروئیکای اروپایی در رم که قرار بود جمعه‌ای که گذشته برگزار شود، پس از تعویق مذاکرات ایران و آمریکا لغو شد. با این حال، هنوز نشانه‌هایی از تمایل متقابل به تعامل وجود دارد. هرچند شاید نه در سطحی که برای جلوگیری از یک درگیری بالقوه لازم باشد.

◀ سایه سنگین تنش

این وبگاه در ادامه آورد؛ معاونان وزیر خارجه ایران و تروئیکای اروپا قرار بود در تاریخ ۲ مه در رم دیدار کنند. اما این مذاکرات پس از تعویق مذاکرات غیرمستقیم بین تهران و واشنگتن در ۳ مه در پایتخت ایتالیا به تعویق افتاد. وزیر خارجه عمان، سید بدر بن حمد البوسعیدی، که به عنوان میانجی در مذاکرات ایران و آمریکا فعالیت می‌کند، در تاریخ ۱ مه اعلام کرد که مذاکرات هسته‌ای به دلیل «دلایل لجستیکی» به تعویق افتاده و برای برگزاری اش مجدداً برنامه‌ریزی خواهد شد. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، اسماعیل بقایی هم تأیید کرد که تعویق مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا به این مناسبت که دیدار ایران و تروئیکای اروپا «در تاریخ دیگری» برگزار خواهد شد. فعلاً برای دیدار هیات ایرانی با تروئیکای اروپایی تاریخی مشخص نشده، آن هم در شرایطی که تحولات پیش‌رو می‌تواند به تنش‌ها در روابط تهران و اروپا دامن بزند. ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، در تاریخ ۲۸ آوریل ادعا کرد که ایران «در حال عبور از آستانه گریز هسته‌ای قرار دارد. او مدعی شد که در حالی که «هیچ راه حل نظامی برای مشکل هسته‌ای ایران وجود ندارد»، تروئیکای اروپا «در یک لحظه و بدون تردید برای بازگرداندن» تحریم‌های سازمان ملل که در چارچوب توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ ایران برداشته شده بودند، اقدام خواهد کرد و ماشه فعال خواهد شد. همزمان بقایی در تاریخ ۲ مه اظهارات بارو را «کاملاً بی‌معنی» خواند و هشدار داد که رویکرد خصمانه فرانسه ممکن است تلاش‌ها برای رسیدن به توافق با آمریکا را مختل کند. در همین راستا عبدالرسول دیوسالار، پژوهشگر ارشد در این پاره مدعی شد که این رویداد ادعایی احتمالاً منجر به وخیم‌تر شدن روابط لندن و تهران خواهد شد که ممکن است بر مذاکرات ایران و تروئیکای اروپا تأثیر بگذارد.

◀ دست اروپا روی‌ماشه؟

تهران تا یمز در تاریخ ۱۶ آوریل تأکید کرد که افاتل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قصد دارد به عنوان دبیرکل بعدی سازمان ملل انتخاب شود. این روزنامه بدون ارائه مدرک ادعا کرد که تروئیکای اروپا وعده داده‌اند که از درخواست گروسی برای تصدی دبیرکلی سازمان ملل در ازای کمک‌های او برای ترسیم چهره‌ای از ایران به عنوان کشوری در آستانه گریز هسته‌ای، در گزارش بعدی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت کنند. چنین گزارشی سپس می‌تواند حسیبی برای کشورهای اروپایی برای تهدید به فعال کردن مکانیزم ماشه باشد، که در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بدان اشاره شده و زمینه را برای بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران می‌سازد. برخی گزارش‌ها می‌گویند که تروئیکای اروپا قصد دارد این فرایند را تا پایان ژوئن آغاز کند، زیرا انتظار می‌رود این فرایند ۹۰ روز طول بکشد. برخی دیگر استدلال می‌کنند که تروئیکای اروپا باید این مکانیزم را حتی در ماه مه فعال کند. ایران.

هشدار داده است که بازگشت تحریم‌های سازمان ملل «غیرمؤثر است و واکنش قوی را به دنبال خواهد داشت.» تهران در گذشته به تمامی امضاکنندگان توافق هسته‌ای نوشته است که ممکن است از پیمان عدم‌گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج شود. اگر فرایند «بازگشت سریع» به نادرستی پیگیری شود. ایران و دولت دونالد ترامپ سه دور مذاکرات غیرمستقیم تحت میانجی‌گری عمان برگزار کرده‌اند و اکنون این مذاکرات وارد مرحله فنی شده است. ترامپ خواهان برجیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران است و با این حال، در مورد این موضع ابهاماتی وجود دارد زیرا او همچنین ابزار آمادگی کرده که ایران ذیل یک توافق، نیروگاه‌های هسته‌ای داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران در مقابل تأکید می‌کند که برنامه هسته‌ای اش صلح‌آمیز است و از خواسته‌ها برای نابودی تأسیسات خود و کتارداشتن غنی‌سازی اورانیوم امتناع کرده است.